

متن پرسش

با سلام و احترام فراوان: ضمن عرض سپاس از عنایات جنابتان؛ خواستم به {قصه و امکان گشایشی که دارد} نظر کرده و درباره آن به گفت و گو بنشینیم. در ابتدا خواهشمندم که پیش فرض های مان را کنار زده تا قصه به قصه بودنش رخ بنماید. گاهی که انوار بر جان نویسنده می‌تابد و روایت چگونگی زیستنش -در حال تابش انوار- قصه می‌شود. پس قصه‌نویس، خود انسانی الهی‌ست که فیض و اشراق دریافتی را در میان الفاظ به ما ارائه می‌دهد و ما با خواندن آن قصه و در نسبت با آن، نه متوقف در کلمات، بلکه سالکی هستیم که به حضور در آن عالم فرا خوانده می‌شویم. گاهی که انوار به زبان خیال، در قالب قصه و با زبان جهان خاص، نوید زیستنی دیگرگونه را می‌دهد. زیستنی که چه‌بسا معنای دقیق {زی} در آن رخ بدهد. در انتظار چنین نویسنده ای باید ایستاد. باشد که در بردباری زاینده‌ای قرار گیریم تا پرتو های امکان قصه‌گویی بر جان یکی از ما منتظران بتابد و آنگاه او به نور ایزدی، جان مارا روشن سازد. آن قصه‌گو چنان نیست که فقط از امروز و محدودیت ها و دروج عالم گیر صحبت کند؛ او به نور اهورایی، جامعی‌ست که بر تاریخ سیطره دارد و همانگونه که امروز و دیروزش را چشیده و روایت می‌کند، فردا و فروغش را هم می‌بیند و اشاره می‌کند. او نه نومید کننده عصر نیهیلیسم بلکه گزارش دهنده امکان آینده است. قصه او دیگر رنگ و بوی تاریکی و سیاهی ندارد، او نور خالصی را در دل این ظلمت دیده، نوری که چنان عریان است که سایه سترگ تکنیک نتوانسته آنرا خاموش سازد. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: دقیقاً قصه و حکایت و حقیقتِ قصه همان است که فرمودید. قصه، حکایت هستی ما در جهان است تا ما خودمان در نزد خود و در جهان، بودن مان را فراموش نکنیم. قصه، حکایتِ نسبت‌های زیبا و تلخی است که آن‌ها روح دارند و زندگی می‌سازند به همان معنایی که فرمود: «... وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۲۱۶) و این‌جا است که به نکته ۵۳ کتاب «انسان و باز انسان» می‌توان نظر کرد که چگونه انسان می‌تواند زندگی گمشده خود را با حکایت‌های سینه‌های سراسر تجربه مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها پیدا کند و آن را که تجربه ایمان آن‌ها برای ما می‌تواند باشد؛ در ما مدّ نظر آید. آیا می‌توان با قصه بدین معنا از بیگانگی نسل‌ها عبور کرد تا جوانان مان فضای مجازی خود را، اشاراتِ مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها بیابند؟ فضایی که محسوس نیست ولی واقعی‌تر از واقعیات است به همان معنایی که

ایمان به خداوند، ایمان به حقیقت علم و حیات است و نه ایمان به یک موجود خاص. موفق باشید